

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی  
دانشکده فقه و حقوق

رساله دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

# اولویت بندی کنش‌های سیاست خارجی از منظر فقه اسلامی

نگارش:

محمد مهدی کوهکن

استاد راهنما:

آقای دکتر علی آدمی

استاد مشاور:

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر مجید قربانعلی دولابی

۱۴۰۱

ب



بسمه تعالی

دانشگاه مذاهب اسلامی

## تعهدنامه اصالت رساله

اینجانب **محمد مهدی کوهکن** دانشجوی مقطع تحصیلی **دکترای رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی** بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در رساله تحصیلی خود، با عنوان **اولویت بندی کنش های سیاست خارجی از منظر فقه اسلامی** را تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی و خارجی نبوده و هر گونه بهره گیری از منابع، درپاورقی و منابع و ماخذ بیان گردیده است. و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد آن در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

محمد مهدی کوهکن  
۱۴۰۰/۱۱/۱  
امضاء

تقدیم به: پیشگاه مقدس حضرت ولیّ عصر ارواحنا له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف

سپاسگزاری:

از همه اساتید گرامی و بزرگوار دانشگاه مذاهب اسلامی، خصوصا اساتیدم در این دوره تحصیلی خاضعانه سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای حجّه الاسلام والمسلمین دکتر مجید قربانعلی دولابی که زحمت مشاوره این اثر را بر عهده داشتند نهایت قدردانی و تشکر را دارم. و از جناب آقای دکتر حامد رستمی نجف آبادی که در به سر انجام رساندن این پژوهش مرا یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

## چکیده:

برای اینکه سیاست خارجی حکومت اسلامی بتواند به اهداف مورد نظر در سعادت و کمال جامعه دست یابد، لازم است تا اقدامات و کنش‌های سیاست خارجی دولت اسلامی، در پرتو مبانی و اصول برآمده از شریعت اسلام تنظیم شود. وجود یک اولویت‌بندی صحیح که اساس انتخاب‌های متعدد و مهم سیاست خارجی کشور را تشکیل می‌دهد، برای داشتن سیاست خارجی مداوم و مناسب ضروری است. بدیهی است که آن اولویت‌بندی نیز باید بر اساس اولویت‌بندی مهم‌ترین اصول و قواعد فقهی سیاست خارجی باشد؛ امری که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد و به نظر می‌رسد تا کنون تا حدودی مورد غفلت واقع شده است.

بر این اساس در این پژوهش که به صورت توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام شده است، پس از بررسی مهمترین اصول سیاست خارجی از منظر فقه اسلامی، با استفاده از روش‌های رفع تعارض و تراحم در علم اصول فقه، همچنین واقعیت‌های جهان معاصر، مسائل مبتلابه جهان اسلام در عصر حاضر و نقشی که سیاست خارجی در تأمین مصالح و منافع کشورها دارد، ترتیبی برای اولویت‌بندی مهم‌ترین اصول سیاست خارجی از منظر فقه اسلامی و به تبع آن کنش‌های لازم برای اجرای هر یک از آنها پیشنهاد می‌گردد.

همچنین این نتیجه که وجود تکلیف در اجرای هر یک از اصول اولویت‌بندی شده منوط به داشتن توانایی انجام آن بوده و اینکه در صورت تراحم هر یک از اصول سیاست خارجی با اصل مصلحت، مصلحت خصوصاً مصلحت حفظ اصل نظام اسلامی بر همه چیز اولویت دارد، استنتاج می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اولویت‌بندی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، فقه اسلامی، قواعد فقهی

**فصل اول: کلیات و معناشناسی** ..... ۱

۱-۱- کلیات پژوهش ..... ۲

۱-۱-۱- بیان مسأله: ..... ۲

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق: ..... ۳

۱-۱-۳- اهداف پژوهش: ..... ۴

۱-۱-۴- سؤالات تحقیق: ..... ۴

۱-۱-۵- فرضیهها (مدعاها)ی تحقیق: ..... ۴

۱-۱-۶- روش تحقیق: ..... ۵

۱-۱-۷- پیشینه تحقیق: ..... ۵

۱-۱-۸- نوآوریهای تحقیق: ..... ۷

۱-۱-۹- سازمان تحقیق (ساماندهی پژوهش): ..... ۷

۱-۲- معناشناسی ..... ۸

۱-۲-۱- فقه ..... ۸

۱-۲-۲- سیاست: ..... ۱۲

۱-۲-۳- فقه سیاسی ..... ۱۴

۱-۲-۴- سیاست خارجی ..... ۱۶

۱-۲-۵- دولت ..... ۱۹

۱-۲-۶- ملت ..... ۲۱

۱-۲-۷- دولت اسلامی: ..... ۲۳

**فصل دوم: اصول سیاست خارجی اسلام** ..... ۲۹

۲-۱- مفهوم اصل: ..... ۳۰

۲-۲- اصل عدم اعتماد به دشمن ..... ۳۱

۲-۲-۱- مفهوم اصل عدم اعتماد ..... ۳۱

۲-۲-۲- ادله اصل عدم اعتماد ..... ۳۱

۲-۲-۳- کاربرد اصل لزوم عدم اعتماد به دشمن در سیاست خارجی: ..... ۳۵

۲-۳- اصل لزوم وفای به عهد و پیمان ..... ۳۶

۲-۳-۱- مفاد اصل لزوم پابندی به معاهدات و قراردادها: ..... ۳۶

۳۶	..... مستندات قاعده : ۲-۳-۲
۴۱	..... وفای به تعهدات در سیاست خارجی: ۲-۳-۳
۴۱	..... شرایط انعقاد قرارداد با کشورهای غیر اسلامی: ۲-۳-۴
۴۳	..... موارد استثناء در لزوم وفای به عهد: ۲-۳-۵
۴۴	..... اصل مقابله به مثل در سیاست خارجی: ۲-۴
۴۴	..... مفهوم مقابله به مثل: ۲-۴-۱
۴۸	..... مفاد اصل مقابله به مثل: ۲-۴-۲
۴۸	..... مستندات اصل: ۲-۴-۳
۵۲	..... کاربرد اصل مقابله به مثل در سیاست خارجی: ۲-۴-۴
۵۴	..... محدودیتهای انجام مقابله به مثل در امور مسلحانه: ۲-۴-۵
۵۶	..... اصل نفی سییل: ۲-۵
۵۸	..... معنا و مفهوم نفی سییل: ۲-۵-۱
۵۹	..... ادله قاعده نفی سییل: ۲-۵-۲
۶۹	..... جایگاه قاعده: ۲-۵-۳
۶۹	..... کاربردهای قاعده: ۲-۵-۴
۷۰	..... اصل همزیستی مسالمت آمیز: ۲-۶
۷۳	..... معنای لغوی و اصطلاحی: ۲-۶-۱
۷۳	..... ادله اصل همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان: ۲-۶-۲
۸۰	..... اصل لزوم یاری مظلومان: ۲-۷
۸۱	..... ادله اصل لزوم یاری مظلومان: ۲-۷-۱
۸۷	..... کاربرد اصل لزوم یاری به ستمدیدگان در سیاست خارجی دولت اسلامی: ۲-۷-۲
۸۷	..... اصل وحدت، برادری و اخوت اسلامی: ۲-۸
۸۸	..... مستندات اصل وحدت، برادری و اخوت اسلامی: ۲-۸-۱
۹۶	..... کاربرد اصل وحدت و برادری اسلامی در سیاست خارجی: ۲-۸-۲
۹۷	..... اصل دعوت: ۲-۹
۹۸	..... ادله اصل دعوت: ۲-۹-۱
۱۰۰	..... اصل توان (وسع): ۲-۱۰
۱۰۱	..... معنای وسع: ۲-۱۰-۱
۱۰۲	..... جایگاه قاعده وسع در مذاهب اسلامی: ۲-۱۰-۲
۱۰۵	..... مستندات قاعده وسع: ۲-۱۰-۳

۱۱۲	۴-۱۰-۲- جایگاه توان و وسع در سیاست خارجی حکومت اسلامی
۱۱۳	۵-۱۰-۲- نقش توان در تحقق اهداف حکومتها از دیدگاه صاحب‌نظران روابط بین‌الملل
۱۱۶	۱۱-۲- اصل مصلحت
۱۱۷	۱-۱۱-۲- مفهوم مصلحت (interest; utility; service)
۱۲۴	۲-۱۱-۲- انواع مصلحت
۱۲۴	۳-۱۱-۲- جایگاه مصلحت در اصول و مبانی فقه مذاهب
۱۵۴	۴-۱۱-۲- جایگاه مصلحت در اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی
۱۶۲	جمع بندی اصل مصلحت
۱۶۴	<b>فصل سوم: اولویت بندی سیاست خارجی</b>
۱۶۵	۱-۳- اولویت بندی ادله فقهی طبق اصول فقه مذاهب اسلامی
۱۶۶	۱-۳-۱- تعریف تعادل و تراجیح
۱۶۹	۲-۳-۱- تعارض ادله فقهی
۱۷۹	۳-۳-۱- تراحم
۱۸۳	۲-۳- اولویت بندی در سیاست خارجی
۱۸۴	۱-۳-۲- منافع ملی و سیاست خارجی
۱۸۵	۲-۳-۲- انواع منافع ملی
۱۸۸	۳-۳-۲- منافع چه کسی؟
۱۸۹	۴-۳-۲- اولویت بندی منافع در سیاست خارجی
۱۹۰	۳-۳- مصالح اسلامی و سیاست خارجی
۱۹۰	۱-۳-۳- رابطه منافع ملی و مصالح اسلامی
۱۹۳	۲-۳-۳- اولویت بندی بین مصالح اسلامی و منافع ملی
۱۹۴	۴-۳- اولویت بندی در اصول سیاست خارجی دولت اسلامی
۱۹۶	۱-۳-۴- تراحم اصل نفی سیل با اصل لزوم وفای به عهد
۱۹۷	۲-۳-۴- تراحم اصل همزیستی مسالمت آمیز با اصل لزوم یاری مظلومان
۱۹۸	۳-۳-۴- تراحم اصل مقابله به مثل با اصل همزیستی مسالمت‌آمیز
۱۹۹	۴-۳-۴- تراحم بین اصل لزوم وفای به عهد با اصل برادری و اخوت اسلامی
۱۹۹	۵-۳-۴- قاعده وسع و توان در اولویت بندی:
۲۰۰	۵-۳- جمع بندی اولویت بندی در بین اصول سیاست خارجی
۲۰۱	<b>جمع بندی و نتیجه گیری</b>

پیشنهادات:..... ۲۰۳

فهرست منابع و مآخذ:..... ۲۰۴

# فصل اول: کلیات و معناسازی

- کلیات پژوهش
- معناسازی

در این فصل ابتدا به بیان مسأله و سؤالاتی که در صدد پاسخ به آن هستیم می‌پردازیم و سپس به بررسی واژه‌ها و مفاهیم پرکاربرد و کلیدی بحث خواهیم پرداخت.

## ۱-۱- کلیات پژوهش

### ۱-۱-۱- بیان مسأله:

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و برقراری حکومت برآمده از شریعت اسلامی، علیرغم اینکه قرن‌ها از شکل‌گیری فقهت و پژوهش در علوم مختلف اسلامی در میان پیروان اهل بیت می‌گذشت، اما ابعاد حکومتی مذهب تشیع به علت مبتلا به نبودن کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. البته در سایر مذاهب اسلامی که قرن‌ها حکومت را در دست داشته و عهده دار اداره جامعه اسلامی بودند، ولی متأسفانه غالباً از دریای معارف اهل بیت علیهم السلام محروم بودند؛ بیشتر به این مسائل پرداخته شده است. به همین دلیل پس از برپایی حکومت جمهوری اسلامی و به خصوص در شرایط حاضر که بیش از ۴۰ سال از تأسیس این نظام مقدس - که مبتنی بر احکام اسلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است - می‌گذرد، نیاز به پژوهش در این بخش‌ها بیشتر احساس می‌شود. یکی از مسائل بسیار موثر در رسیدن به اهداف جامعه و کشور اسلامی، روابط با سایر دولت‌ها و کشورهاست که بر اساس سیاست خارجی تنظیم می‌شود. سیاست خارجی، اگرچه به واسطه دولت مدرن، شکل و گستردگی کنونی را پیدا کرده، و وضعیت فعلی آن عمر زیادی نسبت به تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی بشر ندارد، اما در حال حاضر یکی از مهمترین عواملی است که بر حیات و کیفیت زندگی میلیاردها انسان تاثیر می‌گذارد. تاثیر این مسئله بر جامعه اسلامی و بر زندگی تک تک افراد بقدری روشن است که نیاز به توضیح ندارد. به ویژه با مسائلی که در سال‌های اخیر در روابط خارجی جمهوری اسلامی پدید آمده و نتایج انکارناپذیری در زندگی روزمره مردم بر جای گذاشته است.

طی دهه‌های اخیر این سوال که سیاست خارجی، در شکل و محتوا چگونه ایجاد می‌شود؟ و دنبال چه منافع باید باشد؟ چگونه باید تصمیم بگیرد؟ چه اقسامی دارد؟ و بین انتخاب‌های گوناگون در حوزه سیاست خارجی، چگونه باید انتخاب کرد؟ ذهن بسیاری از سیاستمداران، اندیشمندان و حتی مردم عادی را به خود جلب کرده است. این سوالات در مواقع ایجاد بحران‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر به گوش می‌رسد و باید برای آن‌ها پاسخ‌های مناسب و متقن یافت.

در سیاست خارجی، وجود یک اولویت بندی صحیح برای داشتن سیاست خارجی مداوم و مناسب و دستیابی به اهداف مورد نظر ضروری است. این اولویت بندی، اساس انتخاب‌های متعدد و مهم سیاست خارجی کشورها را تشکیل می‌دهد. منظور از اولویت‌های سیاست خارجی، اصول، عوامل و شرایطی است که سبب می‌شود تا یک انتخاب سیاست خارجی بر انتخاب دیگر ارجحیت پیدا کند.

اما چه عامل یا عواملی در اولویت‌بندی سیاست خارجی مؤثر است؟ به طور کلی، یک عامل اساسی را سبب اولویت‌بندی سیاست خارجی می‌دانند و آن عامل، منافع ملی (National Interest) است. اگرچه این اصطلاح پرکاربردترین واژه در حوزه سیاست خارجی است، اما هیچ تعریف متفق‌القولی برای آن وجود ندارد. همچنین منافع همواره متضاد است و شرایط محیطی نیز سبب تغییر آن می‌شود. اینکه توان دستیابی به آن منفعت موجود باشد نیز مهم است. اینکه یک کنش سیاست خارجی، در یک نظام سیاسی، عاقلانه و درست و در یک نظام دیگر کاملاً اشتباه ارزیابی می‌شود بر همین اساس است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه نظام اسلامی باید اصول و مبانی اقداماتش را بر اساس شریعت مقدس و دستورات و راهنمایی‌های آن استوار سازد، لازم است اولویت‌بندی سیاست خارجی آن نیز از روی قواعد و اصول برآمده از اسلام ترسیم شود تا بتواند اهداف پیش‌بینی شده برای جامعه اسلامی را تامین کند. بر این اساس ضروری است که تحقیقی مستقل درباره این جزء مهم سیاست خارجی انجام شود که بررسی کند اولویت‌های سیاست خارجی از منظر فقهی چیست و چگونه قابل تبیین است. امری که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد و به نظر می‌رسد تا کنون تا حدودی مورد غفلت واقع شده است. به عبارت دیگر این پژوهش به دنبال آن است تا بر اساس منابع اصیل اسلامی، پیوندی میان فقه و سیاست خارجی برای پاسخ به پرسشی مشخص ارائه دهد.

## ۲-۱-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

در جامعه اسلامی، در ابعاد فردی و حکومتی، تطابق همه رفتارها و سیاست‌ها و از جمله سیاست خارجی، با آموزه‌ها و دستورات دین مبین اسلام، یکی از اصلی‌ترین آرمان‌ها به شمار می‌رود. و در سیاست خارجی، داشتن یک اولویت بندی صحیح، که اساس انتخاب‌های مهم و تأثیرگذار در روابط بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، برای داشتن سیاست خارجی مداوم و مناسب، ضروری است. همین امر اهمیت این پژوهش را نشان می‌دهد؛ زیرا تلاش دارد به یکی از ارکان بخش مهمی از کنش‌های یک نظام اسلامی بپردازد.

با توجه به اینکه تا کنون اولویت بندی سیاست خارجی از نظر فقهی مورد تبیین قرار نگرفته، ضروری است که تحقیقی مستقل درباره این جزء مهم سیاست خارجی انجام شود که بررسی کند اولویت های سیاست خارجی از منظر فقهی چیست و چگونه قابل تبیین است.

### ۳-۱-۱- اهداف پژوهش:

هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی اولویت های کنش سیاست خارجی از دیدگاه فقه اسلامی است.

اهداف فرعی نیز عبارتند از:

- بررسی مهم ترین اصول و قواعد فقهی تعیین کننده در سیاست خارجی از منظر فقه اسلامی
- بررسی جایگاه مصلحت در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقهی
- بررسی نقش توانایی دستیابی به اهداف در اولویت بندی سیاست خارجی از منظر فقهی

### ۴-۱-۱- سؤالات تحقیق:

سوال اصلی:

- کنش های سیاست خارجی بر اساس فقه اسلامی چگونه اولویت بندی می شود؟

سؤالات فرعی:

- اصول و قواعد تعیین کننده در سیاست خارجی از نگاه فقه اسلامی کدام اند؟
- تاثیر مصالح عمومی و توانایی دستیابی به اهداف در سیاست خارجی از منظر فقهی چگونه است؟
- چه عواملی در ترتیب بندی اصول و قواعد فقهی مرتبط با سیاست خارجی مؤثرند؟

### ۵-۱-۱- فرضیه ها (مدعاها)ی تحقیق:

اگرچه تحقیق از نوع اکتشافی است و در طی انجام آن پاسخ سؤالات اصلی و فرعی مشخص خواهد شد اما به جهت ضرورت، فرضیه اصلی در ادامه می آید که درستی آن طی انجام پژوهش مشخص خواهد شد.

فرضیه اصلی:

در اولویت بندی سیاست خارجی از منظر فقه مذاهب اسلامی، اصول و قواعدی نظیر نفی سیل، لزوم قراردادهای، اصل دعوت، اصل روابط مسالمت آمیز و مفاهیم توان و مصالح عامه؛ اصول و قواعد تعیین کننده به شمار می روند.

#### ۶-۱-۱- روش تحقیق:

روش پژوهش در این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و متمرکز بر بررسی اسناد و منابع کتابخانه‌ای است.

#### ۷-۱-۱- پیشینه تحقیق:

با توجه به اینکه سیاست خارجی مفهومی است که بعد از شکل گیری دولت‌های مدرن، مورد توجه قرار گرفته است، در متون فقهی و روایی قدیم به طور مشخص بحثی تحت عنوان اولویت بندی سیاست خارجی مطرح نشده است؛ هر چند بحث روابط با سایر ملل از مباحثی است که قرآن کریم و روایات به آن پرداخته و علما نیز، از ابتدای تشکیل دولت اسلامی؛ در لابه‌لای سایر مباحث فقهی، آن را مطرح کرده‌اند.

بعلاوه با بررسی‌های صورت گرفته، کار تحقیقی که به طور مستقل به اولویت‌بندی کنش‌های سیاست خارجی در اسلام پرداخته باشد، مشاهده نمی‌شود. اما برخی پژوهش‌ها که به نحوی با موضوع سیاست خارجی و روابط بین الملل اسلامی مرتبط است وجود دارد.

الف- کتب:

در میان کتاب‌هایی که در ارتباط با این مساله وجود دارد می‌توان به کتاب‌های: "فقه سیاسی اسلام، اصول سیاست خارجی" نوشته ابوالفضل شکوری که در تهران، انتشارات نورا منتشر شده، "فقه سیاسی" عباسعلی عمید زنجانی، تهران، انتشارات امیر کبیر و کتاب "روابط بین الملل در اسلام" تالیف آیت الله جوادی آملی، قم، نشر اسراء اشاره کرد که در میان مباحث مطرح شده به سیر تاریخی، اصول و اهداف سیاست خارجی در اسلام پرداخته‌اند. اما بحث اولویت‌های سیاست خارجی در آنها مطرح نشده است.

ب- مقالات:

آقای عبدالقیوم سجادی مقاله‌ای با عنوان "اصول سیاست خارجی در قرآن" نوشته. ایشان در این مقاله چارچوب‌های کلان سیاست خارجی که در قرآن کریم آمده است را اصول سیاست خارجی نام گذاری کرده و آن‌ها را شامل چهار عنوان: اصل نفی سیل، اصل دعوت یا جهاد، اصل عزت دینی و پایبندی به معاهدات بین‌المللی دانسته و به بحث و بررسی این چهار اصل،

که حکومت اسلامی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد؛ پرداخته است. ایشان در یافتن این اصول تنها از منبع کتاب بهره برده و سایر منابع فقهی را مورد توجه قرار نداده است. بعلاوه صحبتی از اولویت‌بندی این اصول یا اولویت‌بندی سیاست خارجی مطرح نکرده است.

آقای محسن محمدی الموتی در مقاله‌ای با عنوان "هدف و ساز و کارهای سیاست خارجی در اسلام"، با بکارگیری ادله کتاب و سنت پیامبر ﷺ، بیان کرده که اهداف سیاست خارجی اسلام، نظیر تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدل، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلومان و ...؛ توسط پیامبر گرامی اسلام با استفاده از ساز و کارهای متعدد سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تبلیغاتی، دفاعی و نظامی پیگیری شده است تا تمدن بزرگ اسلامی پایه‌گذاری شود. ایشان نیز به اولویت‌بندی در سیاست خارجی اسلام پرداخته است.

آقای علی اکبر علیخانی در مقاله‌ای با عنوان "مبانی و اصول روابط بین‌الملل در اسلام"، برخی مبانی و اصول مورد نظر اسلام در رفتار و تعامل در نظام بین‌الملل را از منابع قرآن و سنت استنباط و ارائه کرده است. ایشان توجه خاصی به اهداف سیاست خارجی اسلام نداشته و اولویت‌های فقهی سیاست خارجی را مورد واکاوی قرار نداده است.

مقاله‌ای با عنوان "سیاست خارجی در اسلام" نوشته محسن اسلامی، به بیان الگوها و چارچوب‌های نظری پیرامون چگونگی تعامل با کشورهای دیگر از منظر اسلام پرداخته و تلاش کرده مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی در اسلام را به طور مختصر تبیین کند. در ادامه به پاسخ این سوال پرداخته که آیا سیاست خارجی مطرح شده در اسلام در عمل قابلیت بکارگیری و اجرا توسط دولت‌های اسلامی نوین در زمان کنونی را دارد؟ نگارنده این مقاله نیز به اولویت‌های سیاست خارجی پرداخته است.

خانم ایران اسدی در مقاله "مبانی سیاست خارجی از دیدگاه قرآن"، در دو بخش به اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن و اهداف سیاست خارجی پرداخته است. ایشان اصولی مانند: اصل توحید، نفی سیل، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و وفای به عهد را تبیین کرده و در بخش اهداف، ایجاد حکومت واحد اسلامی، ایجاد عدالت اجتماعی، سعادت بشریت، ظلم ستیزی و منع جنگ و تجاوز را نام برده است. ایشان نیز بحثی از اولویت‌های سیاست خارجی اسلام به میان نیاورده است.

آقای سید مهدی طاهری، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی انگاره‌های اخلاقی اسلام در روابط بین‌الملل"، تنها از منظر اخلاقی به باید و نبایدهای روابط بین‌الملل از منظر اسلام پرداخته و سایر جنبه‌های سیاست خارجی را مورد بررسی قرار نداده است.

ج- پایان نامه ها:

در میان پایان نامه ها نیز، برخی به موضوع سیاست خارجی اسلامی پرداخته اند که عبارتند از:

عذرا کبیری، "رابطه دین و دولت در فقه شیعه در قلمرو سیاست خارجی"، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، زمستان ۱۳۹۰. در این پژوهش ضمن تعاریف کلی از حد و مرزهای رایج در فقه سیاسی، سیر تاریخی سیاست خارجی حکومت اسلامی را بررسی و به استخراج برخی قواعد فقهی مطرح در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل پرداخته است، اما به اولویت بندی در حوزه سیاست خارجی اقدام نکرده است.

محمدرضا امینی، "اصول سیاست خارجی اسلام در فقه امامیه"، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵. نویسنده پس از تعاریف رایج در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل، به تشریح معاهدات کنونی بین المللی و معاهدات بین المللی از منظر اسلام پرداخته، سپس برخی قواعد حاکم در این حوزه نظیر قاعده نفی سیل و اصل تألیف قلوب را مورد بررسی قرار داده، آنگاه مطابقت برخی تعاملات رایج در روابط بین الملل را با شرع مبین اسلام مورد بررسی قرار داده است.

علی دلفانی، "مبانی روابط بین الملل دولت اسلامی از منظر فقه فریقین"، دانشگاه قم، ۱۳۹۴. در این پژوهش اصول و مبانی رابطه دولت اسلامی با سایر دول مورد بررسی قرار گرفته و به برخی از مهم ترین مبانی که تأثیر بسزایی در روابط بین الملل دارند، پرداخته شده است. از جمله: قاعده نفی سیل و اصل همزیستی مسالمت آمیز. سپس با بررسی احکام اسلام، گفته می شود که کسانی که اسلام را دین جنگ و خشونت معرفی می کنند، را رد کرده و صلح طلبی را یکی از مبانی اساسی سیاست خارجی در اسلام بر می شمارد.

ملاحظه می شود که اولویت بندی سیاست خارجی بر اساس اصول و مبانی اسلامی، امری است که در همه پژوهش های این حوزه مغفول مانده و پژوهش در این حوزه می تواند راه گشای خلأ موجود در این زمینه باشد که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

### ۸-۱-۱- نوآوری های تحقیق:

مهمترین نوآوری پژوهش همان طور که در عنوان آن ذکر شده است، کشف ارتباط بین اولویت های سیاست خارجی و اهداف، اصول و قواعد سیاست خارجی از منظر شریعت اسلام است.

### ۹-۱-۱- سازمان تحقیق (ساماندهی پژوهش):

این پژوهش در ۳ فصل ارائه می گردد.

فصل اول، پس از مقدمه و بیان کلیاتی که بیان مساله، ضرورت و اهمیت تحقیق، سوالات و فرضیات، بررسی ادبیات پژوهش و نوآوری و سازماندهی پژوهش را شامل می شود، به بررسی و واکاوی مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق می پردازد.

فصل دوم در بیان اهداف، اصول و مبانی سیاست خارجی اسلام به بررسی اصول و قواعدی نظیر اصل عدم اعتماد به دشمن، اصل لزوم پایبندی به قراردادهای، اصل مقابله به مثل، قاعده نفی سبیل، اصل همزیستی مسالمت آمیز، اصل یاری مظلومان، اصل وحدت و برادری اسلامی از منظر فقه مذاهب می‌پردازد. در ادامه به بررسی مفهوم کلیدی توان دستیابی به اهداف، و جایگاه آن در سیاست خارجی طبق فقه اسلامی پرداخته و سپس مفهوم مصلحت و جایگاه مصالح عامه در سیاست خارجی در فقه مذاهب اسلامی و اولویت بندی مصالح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم پس از بیان مفهوم منافع ملی و مصالح اسلامی، به اولویت بندی در اصول سیاست خارجی می‌پردازد. در پایان نیز با جمع بندی مباحث مطرح شده به نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- معنا شناسی

در این قسمت، به منظور ارائه تصویری کلی از آنچه مورد بحث خواهد بود؛ به معرفی واژه های پر کاربرد در این پژوهش می‌پردازیم. این واژه‌ها عبارتند از: فقه، سیاست، فقه سیاسی، فقه مقارن، سیاست خارجی، دولت و ملت.

### ۱-۲-۱- فقه

#### ۱-۱-۲-۱- معنی لغوی فقه:

واژه فقه در لغت به معنای: «فهمیدن»، «درک کردن»، «دریافتن» و «دانستن» آمده است. صاحب قاموس المحيط فقه را اینگونه تعریف کرده است: «فقه عبارت است از علم به شیء و درک و دریافت آن. کاربرد لغت فقه در مورد علم دین، به سبب شرافت و برتری این علم، غلبه یافته است»<sup>۱</sup> (فیروزآبادی، بی تا، ۴، ۲۸۹). در مصباح المنیر از فقه به «فهم شیء»<sup>۲</sup> تعبیر شده است (قیومی مقری، ۱۴۱۸.ق، ۱، ۲۸۴). جوهری فقه را به «فهم که بعدها به علم الشریعه اختصاص پیدا کرده است»<sup>۳</sup> معنا کرده است (جوهری، ۱۴۰۷.ق/۱۹۸۷م، ۶، ۲۲۴۳). ازهری نیز فقه را «فهم»<sup>۴</sup> معنی کرده است (ازهری، ۲۰۰۱م، ۵، ۲۶۳). راغب در مفردات، فقه را «رسیدن به علم غایب از طریق علم حاضر و اخص از علم»<sup>۵</sup> می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴.ق، ۳۸۴).

۱. «الفقه بالكسر: العلم بالشئ والفهم له والفظنة وغلب علی علم الدین لشرفه».

۲. «الفقه: فهم الشئ».

۳. «الفقه: الفهم. ... ثم خص به علم الشریعة».

۴. «والفقه هو: الفهم».

۵. «الفقه هو التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد فهو أخص من العلم».

صاحب مجمع البحرین نیز فقه را به معنی «فهم و علم که بعدها در خصوص فهم علم شریعت بکار رفته است»<sup>۱</sup> می‌داند (طریحی نجفی، ۱۳۶۷، ۶، ۳۵۶). طریحی در ادامه از قول برخی شارحین حدیث می‌نویسد: «در حدیث مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ فَقِيهًا عَالِمًا مراد از فقیه، دارنده‌ی علم فقه به معنی صاحب فهم نیست چرا که این معنی تناسبی با این جایگاه ندارد و نیز به معنی علم به احکام شرعی از روی ادله تفصیلی نیست چرا که فقه به این معنی کاربردی جدید است بلکه منظور از فقه در اینجا بصیرت در امر دین است و فقیه در بسیاری از موارد به معنی صاحب بصیرت به کار رفته است»<sup>۲</sup> (طریحی نجفی، ۱۳۶۷، ۶، ۳۵۶). البته خود ایشان دریافت این معنی از فقه را خالی از غموض نمی‌داند و اظهار می‌دارد که احتمال دارد مراد از فقه در این حدیث چنانکه جوهری نیز گفته است علم شریعت باشد.<sup>۳</sup>

به گفته ابن فارس «واژه فقه بر ادراک شیء و علم به آن دلالت می‌کند ... هر علمی نسبت به هر چیزی، فقه است .... این واژه بعدها به علم شریعت اختصاص یافته است لذا به هر کسی که نسبت به حلال و حرام علم داشته باشد، فقیه گفته می‌شود»<sup>۴</sup> (ابن فارس، ۱۴۰۴.ق، ۴، ۴۴۲). به گفته قونوی: «فقه در لغت، عبارت است از فهم غرض متکلم از طریق کلامش و در اصطلاح، علم به احکام شرعیه فرعیه است از طریق ادله تفصیلی آنها و به عبارت دیگر فقه، علمی استنباط شده است که از طریق آن احکام دین شناخته می‌شود ... پس فقیه کسی است که عالم به علم شریعت است»<sup>۵</sup> (قونوی، ۱۴۲۴.ق/۲۰۰۴، ۱۱۶). صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم پس از نقل معنای لغوی واژه فقه از منابع مختلف، در نهایت فقه را به معنی «فهم بر مبنای دقت و تأمل»<sup>۶</sup> می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹، ۱۲۳).

۱. «فقهت الکلام: إذا فهمته، ومنه سمي الفقيه فقيها. يقال فقه الرجل بالكسر يفقه فقهاً من باب تعب: إذا علم. وفقه بالضم مثله، وقيل: الضم إذا صار الفقه له سجيّة. وفلان لا يفقه أي لا يفهم. ثم خص به (علم الشريعة).»

۲. «وفي الحديث «من حفظ عليّ أمتي أربعين حديثاً بعثه الله فقيهاً عالماً» قال بعض الشارحين: ليس المراد به الفقه بمعنى الفهم فإنه لا يناسب المقام، ولا العلم بالأحكام الشرعية عن أدلتها التفصيلية فإنه مستحدث، بل المراد البصيرة في أمر الدين، والفقيه أكثر ما يأتي في الحديث بهذا المعنى، فالفقيه هو صاحب البصيرة.»

۳. «ولا يخفى أن ما أراه من معنى الفقه لا يخلو من غموض، ولعل المراد منه (علم الشريعة) كما نبه عليه الجوهری فيكون المعنى حينئذ من حفظ عليّ أمتي أربعين حديثاً فيما يحتاجون إليه في أمر دينهم وإن لم يكن فقيهاً عالماً بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً داخلًا في زمرة العلماء الفقهاء. وثوابه كنوابهم بمجرد حفظ تلك الأحاديث، وإن لم يتفقه في معانيها.»

۴. «(فقه) الفاء والقاف والهاء أصل واحد صحيح، يدلّ على إدراك الشيء والعلم به. ... وكلّ علم بشيء فهو فقه. ... ثمّ اختصّ بذلك علم الشريعة، فقيل لكلّ عالم بالحلال والحرام: فقيه.»

۵. «الفقه: في اللغة: عبارة عن فهم غرض المتكلم من كلامه. وفي الاصطلاح: هو العلم بالأحكام الشرعية العملية من أدلتها التفصيلية. وبوجه آخر: الفقه علم مستنبط يعرف منه أحكام الدين... فالفقيه: هو العالم بعلم الشريعة.»

۶. «... هو فهم على دقّة و تأمل»

فقه در اصطلاح عبارت است از: «علم به احکام شرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی آنها»<sup>۱</sup> (عاملی جباعی، ۱۴۰۹، صص ۶۶-۶۷)؛ و نیز: قونوی، ۱۴۲۴.ه.ق/۲۰۰۴.م، ۱۱۶). مطابق این معنی، «موضوع علم فقه افعال مکلفین است از حیث اقتضاء [واجب، مستحب، مکروه، یا حرام بودن] و تخییر [مباح بودن]»<sup>۲</sup> (عاملی جباعی، ۱۴۰۹، ۷۵).

مشکینی در تعریف اصطلاحی فقه می‌نویسد: «فقه در اصطلاح ما علمای امامیه عبارت است از قیام حجت (= استدلال کردن) توسط کسی که قادر بر استنباط است بر احکام شرعی فرعی یا وظایف عقلی دینی یا موضوعات استنباطی آنها. و حجت اعم از حجت عقلی و شرعی و عقلانی و سیره عقلاست و احکام شرعی هم اعم از تکلیف و وضع است»<sup>۳</sup> (مشکینی، ۱۳۹۳، ۱۷ و ۴۰۳). ایشان سپس به تعریف مشهوری که از صاحب معالم نقل کردیم اشکال می‌کند که «این تعریف جامع نیست چرا که این تعریف حجت‌های به جز علم، موضوعات و عقلیات را در بر نمی‌گیرد»<sup>۴</sup> (مشکینی، ۱۳۹۳، ۱۷).

زرقاء در تعریف اصطلاحی فقه می‌گوید: «فقه اسلامی دو معنی دارد. فقه در معنای اول عبارت است از علم به احکام شرعی عملی با ادله آن به عبارت دیگر، فقه عبارت است از شناخت تفصیلی احکام شرعی عملی که در این شناخت از ادله احکام استمداد شده است لذا فقه صفتی علمی برای انسان است که به این صفت، انسان فقیه شمرده می‌شود. در معنی دوم فقه عبارت است از مجموعه احکام عملی مشروع در اسلام»<sup>۵</sup> (زرقاء، ۱۴۲۵.ه.ق/۲۰۰۴.م، ۱، ۶۶-۶۵).

زحیلی نیز در تعریف اصطلاحی فقه می‌نویسد: «تعریف برگزیده از نظر ما در معنی اصطلاحی فقه، همان تعریف امام شافعی است که مشهورترین و کامل‌ترین تعریف از دیدگاه علمای اصول است: فقه عبارت است از علم به احکام شرعی عملی که از

۱. «الفقه فی اللغة: الفهم و فی الاصطلاح: هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة»؛ و نیز «... و فی الاصطلاح: هو العلم بالاحکام الشرعیة العملیة من ادلتها التفصیلیة».

۲. «موضوعه [علم الفقه] هو افعال مکلفین من حیث الاقتضاء و التخییر».

۳. ص ۱۷: «الفقه... و فی اصطلاحنا معاشر العلماء الإمامیة، قیام الحجّة عند القادر علی الاستنباط، علی الأحکام الشرعیة الفرعیة، أو الوظائف العقلیة الدینیة، أو موضوعاتها الاستنباطیة، و الحجّة اعم من العقلیة کالعلم الحاصل للفقه بالنسبة لبعض الأحکام، و الشرعیة کاخبار العدل و الثقة عن الحکم الشرعی الفرعی کما فی أغلب موارد الفقه و العقلانیة، کظواهر الألفاظ، و سیره العقلاء، و الأحکام الشرعیة اعم من التکلیف و الوضع. و الوظائف العقلیة، کحکم العقل بالبراءة و التخییر العقلین، و حجیة الظن فی بعض الحالات، و الحکم المستفاد منه فی بعض الأحيان و الموضوعات، کأكثر العبادات المخترعة من جانب الشارع لو لا جمیعها و غیر العبادات مما یفتقر الی التحقیق» و ص ۴۰۳ «و الاولى تعریفه بانه قیام الحجّة التفصیلیة عند الشخص علی الاحکام الفرعیة الدینیة و موضوعاتها المستنبطة فالفقیه هو من قامت عنده الحجّة علیها و المجتهد من تحمل الجهد فی اقامة الحجّة»

۴. «و منه ما یعلم ما فی التعریف المشهور، و هو انه العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة، فان حصر الفقه بالعلم و إخراج سائر الحجج، و حصر المعلوم بالأحکام و إخراج الموضوعات و بالأحکام الشرعیة و إخراج العقلیات غیر سدید».

۵. «للفقه الاسلامی معنیان: فالفقه بالمعنی الاول، هو العلم بالاحکام الشرعیة العملیة مع ادلتها ای معرفة الانسان بها معرفة تفصیلیة مستمدة من ادلتها فیکون الفقه صفة علمیة للانسان یعتبر بها فقیهاً... و [بالمعنی الثانی] الفقه مجموعه الاحکام العملیة المشروعة فی الاسلام»